در سپهر پرهیزکاری

تثبیت معنویت بعد از ماه خدا

خطبه نماز جمعه

ماه مبارک رمضان همواره به‌عنوان فرصتی طلایی برای تجدید نظر در رابطه‌مان با خداوند متعال تلقی می‌شود. این ماه پربرکت، زمان ویژه‌ای برای عبودیت، مناجات و اتصال به ذات مقدس پروردگار است. اما به‌محض پایان یافتن آن، اغلب افراد به زندگی روزمره خود بازمی‌گردند و در این مرحله، غفلت و فراموشی رخ می‌دهد؛ حالاتی که در طول رمضان تجربه کرده بودند، به‌تدریج کمرنگ می‌شود. این پرسش مطرح می‌شود که آیا بندگی ما بعد از رمضان، عمیق‌تر می‌شود یا با تمام شدن آن، عبودیت ما نیز به پایان می‌رسد؟

یکی از مشکلات عرصه عبودیت بعد از اتمام ماه مبارک رمضان، غفلت و فراموشی است. متأسفانه وقتی ماه مبارک رمضان را پشت سر گذاشتیم، بعد از گذشت یکی دو هفته، حالت‌هایی که در آن ماه داشتیم را فراموش می‌کنیم، آن مناجات و دلدادگی‌ها با ذات مقدس پروردگار فراموش می‌شود و یک زندگی معمول را به خصوص در ارتباط با خداوند متعال شروع می‌کنیم.

توجه نداریم که ماه رمضان یک نقطه عطف در زندگانی ما بود، ماه رمضان عبودیت و بندگی ما را در درگاه حق تجدید کرد، ما بعد از ماه رمضان وارد عرصه و مرحله جدیدی از بندگی و عبودیت خدا شدیم که باید توجه داشته باشیم این رتبه و مقامی که در بندگی خدا و درنتیجه روزه‌داری، عبادت و سحرهای ماه رمضان کسب کرده‌ایم، در مقام عبودیت برای ما باقی است و بناست ادامه پیدا کند یا نه، با تمام شدن ماه رمضان، بندگی خدا هم تمام می‌شود.

درحالی‌که عبودیت ما بعد از ماه مبارک رمضان، عبودیت جدیدی است و آنچه برای ما اهمیت دارد، این است که چه چیزی می‌تواند به این عبودیت تازه‌ای که ما در درگاه خداوند متعال پیدا کردیم، خسارت بزند و ارتباط صمیمانه ما را با خداوند متعال برهم بزند؟

نکته مهم این است که عامل نابودی عبودیت، فراموشی و غفلت از بندگی خداوند متعال است. هر زمان که ما فراموش کردیم که بنده خداوند متعال هستیم، عبودیت ما از بین می‌رود. عبودیت و بندگی خداوند متعال و درمجموع اصل بندگی بر دو قسم است؛ قسم اول بندگی و عبودیت به تسخیر است که انسان را به عبودیت مُسخر می‌کنند؛ مانند بردگانی که درنتیجه شکست از دشمن به بردگی گرفته می‌شوند. قسم دوم عبودیت، عبودیت به اختیار است؛ انسان آزادی که از روی اختیار، خود را بنده کسی بکند.

اما باید بدانیم که عبودیت خداوند شامل هر دو قسم بندگی است؛ اولا همه موجودات از جمله انسان‌ها عبد خدا هستند و عبودیتشان در درگاه خداوند متعال عبودیت به تسخیر است. ذات مقدس پروردگار در قرآن می‌فرماید: «هر موجودی در آسمان‌ها و زمین هست، عبد خداوند است»؛ انسان‌ها در مرحله اول عبد خداوند هستند و عبودیتشان به تسخیر خداوند است. چه بخواهند و چه نخواهند، هنگام مرگ از دنیا می‌روند و در جریان سرنوشت خود محکوم به مشیت و اراده خداوند هستند. اما انسان نسبت به سایر موجودات امتیازی دارد که می‌تواند این عبودیت به تسخیر را انجام ندهد؛ زیرا خداوند متعال انسان را آزاد و صاحب اراده خلق کرده است. به او گفته است می‌توانی بندگی من را بکنی یا برهم بزنی. وقتی من به اراده خودم بندگی خداوند را بپذیرم، بنده و عبد به اختیار می‌شوم و در پنهانی‌ترین موقعیت‌ها خدا را ناظر و حاضر می‌بینم و دستور خداوند را اجابت می‌کنم و دربرابر منکرات ایستادگی می‌کنم؛ چون خداوند متعال آن را نهی کرده است. این نوع بندگی در درگاه خداوند متعال قیمت دارد.

باید توجه داشته باشیم که در ماه رمضان، ما بنده به اختیار خداوند متعال شدیم؛ اینکه دستمان در دست امیرالمؤمنین(ع) قرار گرفت و ایشان ما را به خداوند نزدیک کردند. با تمام شدن ماه مبارک رمضان ما چطور می‌خواهیم خداوند را بندگی کنیم؟ اگر بخواهید اکنون گناه انجام بدهید و از فرمان خدا تخلف کنید، این نافرمانی دیگر از روی خطا نیست، بلکه از نوع طغیان و سرکشی است؛ چون خداوند ناظر و حاضر است و شما در مقابل خدا می‌خواهید گناه کنید.

لذا امیرالمؤمنین(ع) در درگاه خدا عرض می‌کنند: «خدایا! من همان بنده شب قدر هستم. آمدم بگویم با بندگی تو برقرار هستم و بیزارم در مقابل تو دست به کاری بزنم که فرمان تو را زیر پا بگذارم. خدایا! خودم قدرت ندارم. من توانمند نیستم که خودم را در برابر گناه تو حفظ کنم؛ مگر وقتی‌که تو مرا بیدار و هوشیار کنی، مگر با تجلی خاصی که تو در درون من داشته باشی».

بنابراین، چالش اساسی بعد از ماه مبارک رمضان، حفظ این عبودیت و پیوستگی روحانی است. این مسئله نیازمند یادآوری مداوم و تلاش برای حفظ این حالت روحانی است. باید از فرصت‌ها برای تقویت این رابطه معنوی با خداوند بهره بگیریم و از خداوند یاری بخواهیم تا در مسیر بندگی حقیقی باقی بمانیم. امیرالمؤمنین(ع) با دعای خود، به ما یادآوری می‌کنند که تنها با کمک و توکل به خداوند، می‌توانیم این مسیر را ادامه دهیم و از غفلت دوری کنیم. ان‌شاءا...

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

احکام

مصرف وام خرید کالا

در این ستون به پرسش و پاسخ های شرعی شما می‌پردازیم. برای دانستن پاسخ بسیاری از سؤال های شرعی خود می‌توانید به ما مراجعه کنید.

وام خرید کالا گرفتم، اکنون اگر امکان خرید کالا فراهم نباشد، می‌توانم با آن وام، سرمایه‌گذاری کنم؟

پاسخ اجمالی

در فرض سؤال، نمی‌توان وام را در غیر موردی که در قرارداد بانک آمده است، مصرف کرد؛ مگر اینکه با هماهنگی و موافقت بانک باشد؛ البته برخی فقها، اجازه چنین کاری را تا فراهم شدن امکان خرید کالا داده‌اند.

آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای

در فرض سؤال، شما فقط طبق همان قراردادی که منعقد کرده‌اید، حق تصرف دارید؛ وگرنه تصرف، غاصبانه و موجب ضمان است.

آیت‌ا...العظمی سیستانی

طبق قرارداد باید عمل کنید.

آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی

در صورتی که امکان عمل به قرارداد بانک نباشد، می‌توانید آن را تا زمان موفقیت، سرمایه‌گذاری کنید.

آیت‌ا... هادوی‌تهرانی

مرابحه قراردادی است که به موجب آن، عرضه‌کننده (بانک)، بهای تمام‌شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود، آن را به‌صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند.

با این توضیح دریافت سود توسط بانک تنها در صورتی مشروع است که مفاد این قرارداد از جمله خرید کالای مزبور تحقق پیدا کند، بنابراین استفاده از این تسهیلات در غیر مورد تعیین‌شده و درنتیجه تحقق نیافتن مفاد مرابحه و انجام نشدن خرید مزبور، جایز نیست. همچنین اگر طبق قرارداد بانک با شما، مصرف این تسهیلات فقط برای خرید مزبور باشد و تا قبل از تحقق این خرید اجازه هیچ‌گونه تصرفی در این تسهیلات را نداده باشد، هرگونه تصرف دیگر در آن جایز نیست. اما اگر چنین اجازه‌ای در قرارداد پیش‌بینی شده باشد، استفاده از این تسهیلات به‌صورت موقت در محدوده‌ای که اجازه داده شده است، اشکال ندارد و پس از آن باید نسبت به تحقق مفاد قرارداد مرابحه و خرید پیش‌بینی شده در آن اقدام کنید.

بررسی اهمیت کسب روزی در روایات بزرگان دین

کم باشد اما حلال باشد

گفت‌وگو

آمنه مستقیمی| تلاش برای گذران زندگی یا به تعبیر دینی تأمین معاش و کسب روزی حلال در اسلام، اهمیت و جایگاهی ویژه دارد، تاجایی‌که بخش اعظم رشد و سعادت انسان به آن بستگی دارد. در بررسی این اهمیت و نقش با حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی شریعتی‌تبار، مدیرگروه انقلاب و تمدن اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان‌قدس‌رضوی و کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

تأمین معاش؛ مصداق جهاد است

در فرهنگ اسلام و آموزه‌های دینی بر تلاش و کوشش برای کسب روزی حلال و تأمین معاش انسان و خانواده از راه حلال، توصیه و تأکید فراوان شده است، لذا از مردی که در کسب روزی حلال برای خود و خانواده تلاش کند، به مجاهد فی سبیل ا... و رزمنده در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل تعبیر می‌شود یا آنکه در روایات متعدد، عبادت گاهی به هفت یا هفتاد جزء تقسیم می‌شود که برترین و افضل این اجزای عبادت، کسب روزی حلال معرفی شده است.

عبادت خداوند انواع دارد

عبادت در آموزه‌های دینی صرفا به مناسک دینی مثل نماز و روزه یا حج محدود نمی‌شود؛ اگرچه این‌ها مهم هستند اما عبادت معنایی وسیع‌تر دارد؛ مثل اینکه انسان خود را به مقام عبودیت و بندگی خدا برساند و در مسیر اطاعت از خدا و بندگی او زندگی‌اش را سامان دهی کند. بنابر تصریح روایات، اینکه انسان تلاش می‌کند معاش خود و خانواده‌اش را از راه مشروع تأمین کند، واجب و جلوه‌ای مهم از عبادت است و او را در مسیر عبودیت قرار می‌دهد و پیش می‌برد.

اجابت دعا شروط دارد

با توجه به آنکه تأمین معاش خانواده از راه حلال، نقش مهمی در سلامت و سعادت فرد، خانواده و جامعه دارد و نیز با توجه به آنکه رعایت حلال و حرام در مسائل اقتصادی بسیار سخت است و در روایات آمده است که بهترین اعمال، سخت‌ترین آن‌هاست، لذا از تلاش برای کسب روزی به برترین جزء عبادت تعبیر می‌شود. این تلاش و حلال بودن آن به قدری اهمیت دارد که از شرایط توفیق و استجابت دعای انسان، آن است که کسب‌وکار خود را برای تأمین معاش حلال کند.

رزق فقط پول نیست

درباره مقدر بودن روزی و اینکه آیا این تقدیر روزی از سوی خدا، مانع تلاش و کوشش انسان برای کسب روزی می‌شود یا نه، دو مسئله قابل طرح است؛ نخست آنکه در آموزه‌های دینی، رزق و روزی حقیقی به پول و درآمد و امکانات مادی محدود نمی‌شود. در فرهنگ قرآن این‌طور نیست که صرفا پول زیاد رزق باشد؛ ممکن است کسی ثروت بسیار داشته باشد اما از آن استفاده بهینه نکند؛ فراوان روایت داریم که چه‌بسا آن‌ها که بناهای بسیار می‌سازند اما خود در آن‌ها توفیق سکونت نمی‌یابند و چه‌بسا کسانی که مال می‌اندوزند اما از آن بهره نمی‌برند.

توانایی کسب روزی، لطف خداست

رزق و روزی در فرهنگ دینی، امکاناتی است که به کار انسان بیاید و او را در مسیر رسیدن به حیات طیبه کمک کند. نکته دوم آنکه تقدیر رزق و روزی یعنی اینکه انسان این‌طور فکر نکند که توانایی مالی و کسب روزی، صرفا در گرو تلاش اوست. انسان مؤمن و موحد باور دارد که روزی و رزق او اعم از مادی و غیرمادی مثل سلامت جسمی و روحی یا توان علمی و بدنی برای کسب روزی، ودیعه و عطیه الهی و محصول این تلاش، رزق و رحمت الهی است.

روزی مقدر است

بنابراین این مقدر بودن نه‌تنها مانع تلاش نمی‌شود، بلکه باید انگیزه بخش تلاش بیشتر هم باشد. ما معتقدیم عالم، مخلوق خدای یگانه است و هرچه در این عالم اعم از طبیعت و معنا و معنویت هست، همه به قضای الهی است، لکن خداوند برای این نظام خلقت که نظام آن به دست اوست، اسباب و علل و عواملی قرار داده است؛ به عبارت دیگر چنان‌که خداوند دارای اراده و مشیتی است، برای عالم قوانینی وضع کرده است.

تلاش کنیم تا به دست بیاوریم

با نگاه به سیره ائمه اطهار می‌توان نکات زیادی آموخت. روایت است زمانی امیرالمؤمنین(ع) کنار دیواری نشسته بودند که در حال فروریختن بود. ایشان محل را ترک کردند. شخصی پرسید: یا علی! از قضای الهی فرار می‌کنی؟ (یعنی اگر خدا بخواهد، چیزی نمی‌شود). حضرت فرمودند: «من از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»؛ این یعنی خدا برای این جهان، نظام اسباب و علت و معلول قرار داده و در چارچوب این نظام به انسان، حق اختیار و انتخاب داده است.

به رحمت خداوند امیدوار باشیم

همه ما می‌دانیم که خداوند متعال رزاق است و این صفت فقط به او اختصاص دارد. در منطق قرآن، رزق فقط پول نیست و مال حرام اصلا جزو رزق محسوب نمی‌شود؛ اینکه خدا رزق را مقدر کرده، یعنی نظامی را تعیین کرده است که قانون دستیابی به آن، تلاش و کوشش و نیز امیدواری به رحمت خداست؛ مثلا اگر زمانی در رزق انسان تأخیر افتاد، این‌طور فکر نکنیم که دنیا به آخر رسیده است و درنتیجه از رحمت خدا ناامید شویم و به سمت حرام برویم.

قانع و صبور باشیم

پیامبر(ص) در حجه‌الوداع (ظاهرا در سرزمین منا) فرمودند: «فرشته وحی بر خاطر من این مطلب را القا کرده است که هیچ انسانی از دنیا نمی‌رود، مگر اینکه رزق و روزی مقدر الهی به او برسد». سپس فرمودند: «نکند گمان اینکه رزق شما به تأخیر افتاده است و در تنگنای روزی قرار گرفته‌اید، موجب شود رزق خود را از حرام به دست آورید». یعنی حرص و طمع نداشته باشید و از راه حرام و تجاوز به حقوق دیگران، مال کسب نکنید، بلکه تلاش کنید. معنای مقدر بودن رزق و روزی، نفی تلاش و کوشش نیست، بلکه نفی حرص و طمع و کسب حرام است. صبر و قناعت انسان را از خطا باز می‌دارد.

روشنا

پیامبر(ص): إنّ الغضب من الشّیطان و إنّ الشّیطان خلق من النّار و إنّما تطفا النّار بالماء فإذا غضب أحدکم فلیتوضّأ.

خشم از شیطان است و شیطان از آتش آفریده شده است و آتش با آب خاموش می شود، پس هرگاه یکی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد. (**نهج‌الفصاحه، ص ۲۸۶، ح ۶۶۰**)

قصص قرآنی، موسی ۱۱

تولد ایمان از دل معجزه

سمانه رضوانی| اغلب ما در زندگی دچار شک شده‌ایم، دنبال جواب سؤال بوده‌ایم، حتی به جایی رسیده‌ایم که بگوییم: «اصلا معجزه می‌خواهم تا سیرفهم شوم، یقین کنم و ایمان واقعی را تجربه کنم!»، ولی...

شاید شاخ‌هایمان دربیاید وقتی بخوانیم یا بشنویم تاریخ را... تاریخی که از کسانی صحبت می‌کند که در زمان‌های مختلف، معجزه‌های قطعی از پیامبران خدا دیده‌اند، ولی شیطان برایشان بهانه‌ای جدید تراشیده است که: «نه، تو پیامبر نیستی! و خدای ما هم همان خدایانی است که خودمان می‌پرستیم، نه خدای یکتایی که تو می‌گویی». ولی بعضی‌ها هم همراه حق شدند و درمقابل باطل ایستادند. عصای موسی اژدها شد و هرچه را آن‌ها به دروغ ساخته بودند، بلعید:

«فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ»(شعرا: ۴۵).

همه تحت‌تأثیر این معجزه قرار گرفتند و ساحران به سجده افتادند:

«فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ»(شعرا: ۴۶).

و اقرار کردند که به پروردگار جهانیان ایمان آوردند:

«قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ».(شعرا: ۴۷).

اعتراف کردند که خدای موسی و هارون، خدای آن‌هاست:

«رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ»(شعرا: ۴۸).

فرعون عصبانی بود؛ هم از اینکه همه نقشه‌هایش نقش بر آب شده بود، هم از ایمان ساحرانی که قرار بود معجزه و قدرت موسی را کوچک نشان دهند، ولی حالا خودشان تبلیغ‌کننده دعوت به یکتاپرستی شده بودند! فرعون حتما ترسیده بود؛ از وعده حق، از اینکه تاج و تختش به خطر افتاده بود. با لحنی که می‌خواست قدرت پوشالی‌اش را به رخ اطرافیانش بکشد، گفت:

«آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ؟ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ! فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ! لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ!»(شعرا: ۴۹).

اما آن‌ها دل‌هایشان به ایمان به خدا محکم شده بود و باجرئت پاسخ دادند:

«لَا ضَيْرَ! إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»(شعرا: ۵۰).

آن‌ها از امید گفتند؛ از امیدی که به خدا داشتند؛ از اینکه گناهانشان را خواهد بخشید؛ چون از اولین مؤمنان بودند:

«إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ».(شعرا: ۵۱)

شنیدنی